

## کیفیت رابطه زناشویی در پروفایل‌های زوجی سبک حل تعارض\*

فرشاد محسن زاده<sup>۱</sup>

حسین کشاورز افشار<sup>۲</sup>

زهرا جهان بخشی<sup>۳</sup>

منصوره حاج حسینی<sup>۴</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۰۲

### چکیده

هدف این پژوهش شناسایی انواع سبک حل تعارض زوجی در چارچوب نظریه گاتمن و مقایسه کیفیت رابطه زناشویی بین سبک‌های زوجی مختلف بوده است. به این منظور ۵۰۰ نفر (۲۵۰ مرد و ۲۵۰ زن) به شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌دار انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه ارزیابی ارتباطی مورد مطالعه قرار گرفتند. ۹ سبک زوجی حل تعارض به این ترتیب شناسایی شد: اعتباربخش - اعتباربخش، درگیر شونده - اعتباربخش، اعتباربخش - اعتباربخش، درگیر شونده - درگیر شونده، اجتنابی، اجتنابی - اجتنابی، خصمانه، خصمانه - اعتباربخش، خصمانه - درگیر شونده، و خصمانه - خصمانه. مقایسه میانگین گروه‌ها با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که پروفایل‌های حاوی سبک اعتباربخش با بهترین میزان کیفیت رابطه زناشویی همراه است؛ جز زمانی که یکی از زوجین از سبک خصمانه استفاده کند. پروفایل‌های حاوی سبک خصمانه با کمترین میزان کیفیت رابطه زناشویی همراه است و پروفایل‌های حاوی سبک درگیر شونده و اجتنابی در مقایسه با پروفایل‌های شامل سبک اعتباربخش با میزان کمتری از کیفیت رابطه زناشویی همراه است؛ اما در مقایسه با پروفایل‌های دارای سبک خصمانه میزان بیشتری از کیفیت رابطه زناشویی را دارا است. از این رو آگاهی از این سبک‌های حل تعارض می‌تواند به مشاوران و روانشناسان در مشاوره‌های قبل از ازدواج کمک کند.

کلید واژه‌ها: رابطه زناشویی، سبک حل تعارض زوجی، خانواده سالم.

\* این مقاله از طرح پژوهشی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه استخراج شده است.

۱ - استادیار گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه خوارزمی

۲ - نویسنده مسئول: مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج) تهران، ایران

۳ - دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

۴ - استادیار گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تهران

## مقدمه

یکی از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران حوزه خانواده و ازدواج، تأثیر شیوه حل تعارض بر پیامدهای زناشویی است (بردبری و فینچام، ۱۹۸۹؛ کریستنسن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ گاتمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹). بوهلر<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۴) تعارض زناشویی را این گونه تعریف می کنند: "وجود اختلاف، تعاملات تنش‌زا و خصمانه میان زن و شوهر و بی‌احترامی و هتک حرمت که ممکن است با ناسزاگفتن همراه باشد. پژوهشها حاکی است که نوع پاسخ به تعارض در تعیین پیامدهای زناشویی نقش مهمی دارد و شاخص معتبری برای تمایز زوجهای رضایتمند از زوجهای ناخشنود به شمار می‌رود (برنز<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۹؛ گاتمن، ۱۹۹۳). کریستنسن (۱۹۸۸) در پژوهشی با طبقه‌بندی الگوهای حل تعارض زناشویی اشاره می‌کند که الگوی تعقیب - طفره ناکارآمدترین الگوی حل تعارضات زناشویی است و بیشترین پیامدهای منفی را برای رابطه زناشویی دربر دارد. در این الگو یکی از همسران از طریق الزام عاطفی، سرزنشگری و شکوه به دیگری فشار می‌آورد و او نیز از طریق پرهیز، رفتارهای دفاعی و انفعال پاسخ می‌دهد. پژوهشها به طور پیوسته نشان می‌دهد که الگوی تعقیب - طفره با نارضایتی زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج همراه است (هوی، کریستنسن، و ملاما<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵؛ کافلین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲).

در پژوهشی دیگر، ریدلی، ویلم و سورا<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) به شناسایی پروفایل پاسخ زوجها به تعارضات زناشویی و ارتباط پروفایلهای شناسایی شده با کیفیت زناشویی پرداختند. آنها چهار پروفایل پاسخ به تعارض را شناسایی کردند که شامل دو پروفایل متقارن (زوجهای فاصله‌گیر - زوجهای درگیرشونده) و دو پروفایل نامتقارن (زن فاصله‌گیر - شوهر فاصله‌گیر) بود. کیفیت زناشویی در بین زوجهایی که یک یا هر دو همسر از تعارض و گفتگو درباره آن پرهیز می‌کردند، کم بود و بیشترین کیفیت زناشویی به زوجهایی متعلق بود که هر دو طرف در فرایند گفتگو درباره تعارض درگیر می‌شدند. مطالعه بین فرهنگی الگوی حل تعارض تعقیب - طفره نیز حاکی از این است که رابطه مثبت بین این دو در بافتهای فرهنگی گوناگون (برزیل، ایتالیا، تایوان و ایالات

- 
- 1 - Bradbury, T. N., & Fincham, F. D.
  - 2 - Christensen, A.
  - 3 - Gottman, J.M.
  - 4 - Buehler
  - 5 - Berns, S. B., Jacobson, N. S., & Gottman, J. M.
  - 6 - Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M.
  - 7 - Caughlin, J. P.
  - 8 - Ridley, C. A., Wilhelm, M. S., & Surra C. A.

متحده) مصداق دارد (کریستنسن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

مطالعات آزمایشگاهی. پژوهش گاتمن و همکاران (کارتنس، گاتمن، و لوینسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ گاتمن، ۱۹۹۳؛ گاتمن و لوینسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) نشان می‌دهد که حداقل چهار سبک مقابله با تعارض وجود دارد که سه سبک می‌تواند به پیامدهای مثبت زناشویی منجر شود (گاتمن، ۱۹۹۳؛ گاتمن و لوینسون، ۲۰۰۰). این سه سبک عبارت است از اجتنابی<sup>۴</sup>، اعتباربخشی<sup>۵</sup> و درگیر شونده<sup>۶</sup> که گاتمن آنها را سبکهای تنظیم شده می‌نامد (گاتمن، ۱۹۹۳، ۱۹۹۹). اینها به این دلیل تنظیم شده خوانده می‌شود که طی آنها زوجین، رابطه رضایت‌آمیز و باثباتی را تداوم می‌بخشد که این امر از طریق به کارگیری راهبردهایی برای دوری گزیدن از تعارض زیانبار و پرداختن به تعاملات مثبت روی می‌دهد. سه سبک تنظیم شده از طریق میزان و زمانبندی تلاشی که طرفین برای اثرگذاری بر همدیگر به کار می‌بندند از همدیگر متمایز می‌شود. زوجهای اجتنابی ترجیح می‌دهند از طریق توافق بر "عدم توافق" تعارض را تا حد ممکن کاهش دهند. زوجهای اعتباربخش به گونه‌ای درباره موضوع تعارض گفتگو می‌کنند که اطمینان حاصل شود دیدگاه‌های طرفین مورد درک و احترام یا اعتباربخشی واقع شده است. زوجهای درگیر شونده مشتاقتر و پراثرتری تر هستند و از پرداختن مستقیم به تعارضات موجود ترسی ندارند (باسبی و هولمن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹).

در مقابل این سه سبک، سبک دیگری نیز هست که سبک تنظیم‌ناشده یا خصمانه خوانده می‌شود. زوجهای با این سبک مقابله با تعارض، در تعاملات زیانبار و اهانت‌آمیز درگیر می‌شوند که ثبات زناشویی و سایر عوامل مثبت زناشویی را به طور جدی و در جهت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. گاتمن (۱۹۹۴) اشاره می‌کند که دو نوع کنار آمدن با تعارض (تنظیم شده و تنظیم‌ناشده) بر اساس میزان نسبت فرایندهای تعاملی مثبت به فرایندهای تعاملی منفی از هم قابل تفکیک است. در زوجهای تنظیم شده این نسبت پنج به یک است، یعنی به ازای هر یک تعامل منفی پنج تعامل مثبت روی می‌دهد؛ اما در زوجهای تنظیم‌ناشده این نسبت کمتر است.

از بررسی پژوهشهای مربوط به رفتارهای حل تعارض بر می‌آید که یافته‌های پیوسته‌ای هست

- 
- 1 - Christensen, A., Eldridge, K., Catta-preta, A. B., Lim, V. R., & Santagata, R
  - 2 - Cartensen, L.L., Gottman, J.M., & Levenson, R.W.
  - 3 - Gottman, J.M., & Levenson, R.W.
  - 4 - Avoiding
  - 5 - Validating
  - 6 - Volatile
  - 7 - Busby, D. M., & Holman, T. B.

مبنی بر اینکه وقتی یک یا هر دو همسر، رفتارهای سبک تنظیم ناشده خصمانه نشان می‌دهند، رضایت و کیفیت زناشویی در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد؛ با این حال سؤالی که در پژوهشهای پیشین بی‌پاسخ مانده این است که ترکیب کدام یک از سبکهای حل تعارض در واحد زناشویی به پیامدهای مثبت و ترکیب کدام سبکها به پیامدهای منفی می‌انجامد. نکته قابل اشاره درباره پژوهشهای حوزه سبکهای حل تعارضات زناشویی این است که در اغلب این پژوهشها زوج به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده است در حالی که باسی و هولمن (۲۰۰۹) اشاره می‌کنند که رفتار و الگوی حل تعارض در سطح فردی نیز قابل مطالعه است. آنها معتقدند که اگر چه افراد ممکن است در موقعیت‌های مختلف تعارض‌آمیز پاسخهای مختلفی نشان دهند، هر شخصی یک سبک غالب رویارویی با تعارض دارد که قابل مشاهده و مطالعه است. از این رو، پژوهش درصدد بوده است تا رفتار حل تعارض را به عنوان مفهومی سطح فردی لحاظ کند و با در کنار هم قرار دادن سبکهای حل تعارض زن و شوهر، پروفایلهای سبک حل تعارض را شناسایی کند و رابطه آنها را با کیفیت رابطه زناشویی (رضایت زناشویی، ثبات زناشویی و مشکلات زناشویی) مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، پژوهش کنونی در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که زوجهای با پروفایلهای سبک حل تعارض گوناگون چه میزانی از کیفیت رابطه زناشویی را تجربه می‌کنند.

### روش شناسی پژوهش

پژوهش از نظر هدف، کاربردی، و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش شامل کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ بود که در زمان اجرای پژوهش متأهل بوده‌اند و در متارکه یا فرایند طلاق نبودند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول برآورد نمونه کوکران استفاده شد. با توجه به اینکه حجم جامعه ۱۳۵۰ نفر بود، تعداد نمونه ۵۰۰ نفر (۲۵۰ مرد و ۲۵۰ زن) تعیین، و به منظور تعیین نمونه از شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌دار استفاده شد. جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی افراد نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی افراد نمونه

مدرك تحصیلی	تعداد	مدت ازدواج	تعداد	جنسیت	تعداد
زیر دیپلم	۱۳۴	زیر ۲ سال	۳۸	زن	۲۵۰
دیپلم	۱۶۶	۲-۵	۲۲۲	مرد	۲۵۰
کارشناسی	۱۶۴	۵-۱۰	۱۹۶		
کارشناسی ارشد	۳۶	بیش از ۱۰	۴۴		

پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای است. برای یافتن پاسخ سؤال پژوهش از مقایسه‌های بین گروهی استفاده شده است. زوجهای شرکت‌کننده در پژوهش بر اساس پروفایل سبک حل تعارض گروه‌بندی شدند و نمره‌های کیفیت رابطه زناشویی گروه‌ها با همدیگر مورد مقایسه قرار گرفتند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات: اندازه‌گیریها با استفاده از خرده‌مقیاسهای گوناگون پرسشنامه ارزیابی ارتباط<sup>۱</sup> (هولمن، باسی، دوکسی، کلین، و لویر کارلسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰) انجام شد. این پرسشنامه یک ابزار چند بعدی ارزیابی زوج است که شامل ۲۷۱ ماده است و به منظور ارزیابی ادراک پاسخ دهندگان درباره خود و همسرشان در چهار بافت مهم رابطه قبل و بعد از ازدواج طراحی شده است: ۱ - بافت فردی (مانند ویژگیهای شخصیتی، سبک تعامل، ارزشها و باورها) ۲ - بافت زوجی (ارتباط زوج، حل تعارض) ۳ - بافت خانوادگی (رابطه والدین، رابطه ولی - فرزندی و...) ۴ - بافت اجتماعی (حمایت اجتماعی، نژاد، وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده و...). همه خرده‌مقیاسهای ارزیابی ارتباط نمره‌های همسانی درونی بین ۷۰٪ تا ۹۰٪ را دارا هستند (باسی، هولمن و تانیگوچی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

سبک حل تعارض: متغیر سبکهای حل تعارض با استفاده از چهار ماده نشات گرفته از پژوهش هولمن و جرویس<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) مورد سنجش قرار گرفت. در این چهار ماده، چهار سبک رویارویی با تعارض گاتمن توصیف شده، و زوجها با مطالعه چهار پاراگراف، که هر یک توصیفی از یک سبک رویارویی با تعارض است، یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کنند که با وضعیت خودشان همخوان می‌یابند. هولمن و جرویس (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که این ماده‌ها شاخصهای معتبری برای مقوله‌بندی گاتمن از سبکهای حل تعارض است و می‌تواند بین روابط زناشویی باثبات و رضایتمند با روابط بی‌ثبات و بدون رضایت تمایز قائل شود. در این پژوهش، ضرایب آلفای همسانی درونی برای سبک اجتنابی ۰/۸۴، سبک اعتبار بخشی ۰/۷۳۹، سبک درگیر شونده ۰/۶۴۳ و سبک خصمانه ۰/۸۰۸ به دست آمد. ماده‌ها شامل این موارد است:

سبک اجتنابی: از تعارض دوری می‌کنم. فکر نمی‌کنم با ابراز آشکار عصبانیت به دیگران بتوان به نتیجه رسید. در واقع به نظر من صحبت زیاد درباره هیجانات و مشکلات، اوضاع را بدتر

1 - RELATE

2 - Holman, T. B., Busby, D. M., Doxey, C., Klein, D. M., & Loyer-Carlson, V.

3 - Busby, D. M., Taniguchi, N., and Holman, T. B.

4 - Holman, T.B., & Jarvis, M.O.

می‌کند. فکر می‌کنم اگر فقط آرامش خودم را حفظ کنم، مشکلات بمرور زمان حل و فصل خواهد شد.

سبک اعتبار بخشی: درباره مشکلات صحبت می‌کنم؛ اما مهم است که آرام باشم و خودم را کاملاً کنترل کنم. ترجیح می‌دهم به دیگران نشان دهم که حتی اگر باورها و عواطف آنها مطابق میل من نباشد، باز هم برای من ارزشمند هستند. هنگام بحث تلاش می‌کنم تا زمان زیادی را برای تأیید دیدگاه‌های دیگران صرف، و یک راه وسط برای مصالحه پیدا کنم.

سبک درگیر شونده: درباره مشکلات این قدر بحث می‌کنم تا حل شوند. بحث صریح و تند آزارم نمی‌دهد؛ چون راه حل اختلافات و تفاوتها همین است. اگر چه ممکن است گاهی تند شوم، ایرادی ندارد؛ چون با عبارات دوستانه و با مهربانی جبران می‌کنم. فکر می‌کنم ذوق و شوق زیادی که دارم به رابطه‌ای خوب همراه با شادی و مهربانی منجر می‌شود.

سبک خصمانه: هنگام بحث بشدت عصبانی می‌شوم. وقتی هم عصبانی هستم با استفاده از طعنه و کنایه یا تحقیر به همسر توهین می‌کنم. هنگام جر و بحث شدید نمی‌توانم به حرفهای همسر گوش کنم؛ چون دنبال این هستم که منظور خودم را به او بفهمانم. گاهی موقع جروب‌بحث، احساسات منفی شدید نسبت به همسر پیدا می‌کنم.

کیفیت رابطه زناشویی: کیفیت رابطه زناشویی با استفاده از سه خرده مقیاس پرسشنامه ارزیابی ارتباط اندازه‌گیری شد. این خرده‌مقیاسها عبارت است از: رضایت زناشویی (۷ ماده)، ثبات زناشویی (۳ ماده) و حوزه‌های مشکل (۱۱ ماده). خرده‌مقیاس رضایت زناشویی از شرکت کنندگان می‌خواهد میزان رضایت خود را از حوزه‌هایی نظیر صمیمیت، ارتباط و زمان صرف شده با همدیگر در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری کنند. مقیاس ثبات زناشویی درباره میزان به خطر افتادن رابطه، اندیشیدن به پایان دادن به رابطه و جداییهای پیشین می‌پرسد. این ماده‌ها نیز در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. مقیاس حوزه‌های مشکل نیز میزان ادراک مشکل را در ۱۱ حوزه نظیر صمیمیت، ارتباط و میزان زمان سپری شده با همدیگر می‌سنجد. نمره‌های بیشتر در دو مقیاس اول به معنای رضایت و ثبات بیشتر و در مقیاس آخر به معنای تجربه مشکلات کمتر است. در این پژوهش برای برآورد پایایی از روش بازآزمون اسفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرا در فاصله دو هفته در نمونه ۵۰۰ نفری قابل قبول گزارش شد ( $p < 0/001$  و  $r = 0/88$ ). در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای نمره کلی مقیاس در نمونه ۴۱۰ نفری  $0/834$  به دست آمد و آلفای سه خرده مقیاس رضایت زناشویی، ثبات زناشویی و حوزه‌های

مشکل به ترتیب؛ ۰/۸۷، ۰/۸۴۹ و ۰/۷۹۶ به دست آمد.

### یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه گردیده است. در آمار توصیفی شاخص‌هایی نظیر میانگین و انحراف استاندارد و در آمار استنباطی تحلیل واریانس و مقایسه میانگین‌ها انجام شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
اعتباربخش - اعتباربخش	۴/۵۱	۱/۱۱	۱۱۲
درگیر شونده - اعتباربخش	۴/۲۵	۰/۶۶	۶۴
اعتباربخش - اجتنابی	۴/۰۲	۰/۸۲	۶۹
درگیر شونده - درگیر شونده	۳/۸۰	۰/۸۰	۳۹
درگیر شونده - اجتنابی	۳/۷۸	۰/۷۶	۵۵
اجتنابی - خصمانه	۲/۷۷	۰/۷۲	۲۴
خصمانه - اعتباربخش	۲/۷۰	۰/۷۲	۱۸
خصمانه - درگیر شونده	۲/۶۶	۰/۶۷	۷۶
خصمانه - خصمانه	۲/۶۴	۱/۰۲	۴۳

در جدول (۱) اطلاعات توصیفی مربوط به یافته‌های پژوهش ارائه شده است. در ستونهای اول تا چهارم به ترتیب، نام متغیرها، میانگین نمره‌ها، انحراف استاندارد و تعداد افراد مطالعه شده در هر متغیر نشان داده شده است. لازم به توضیح است که ترتیب متغیرها براساس میزان میانگین نمره‌های تنظیم شده است. متغیر با بیشترین نمره در ردیف اول و متغیر با کمترین نمره در ردیف آخر قرار داده شده است.

جدول ۲: تحلیل واریانس یک متغیری مقایسه میانگین‌های گروه‌ها

منبع پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۲۶۲/۰۴۰	۸	۳۳/۳۸۰	۴۴/۶۰۵	۰/۰۰
درون گروهی	۳۶۴/۴۴۳	۴۸۷	۰/۷۴۸		
کل	۶۳۱/۴۸۳	۴۹۵			

در جدول (۲) اطلاعات مربوط به مقایسه میانگین‌های گروه‌ها با استفاده از تحلیل واریانس یک متغیری گنجانده شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود مقدار F به دست آمده (۴۴.۶۰) با درجه آزادی ۸ در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ یعنی حداقل بین میانگین نمره‌های دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳: مقایسه میانگین گروه‌ها یک به یک با همدیگر

ردیف	سبک حل تعارض	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	اعتباربخش - اعتباربخش	۰/۲۶۲	۰/۴۸۹	۰/۷۱۷	۰/۷۳۳	۱/۷۴	۱/۸۱	۱/۸۵	۱/۸۷
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۲	درگیر شونده - اعتباربخش	--	۰/۲۲۶	۰/۴۵۵	۰/۴۷۰	۱/۴۸	۱/۵۵	۱/۵۹	۱/۶۱
		۰/۰۰۱	۰/۳۵۸	۰/۱۱۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۳	اعتباربخش - اجتنابی	--	--	۰/۲۲۷	۰/۲۴۳	۱/۲۶	۱/۳۲	۱/۳۶	۱/۳۸
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۴	درگیر شونده - درگیر شونده	--	--	--	۰/۰۱۵	۱/۰۳	۱/۰۹	۱/۱۳	۱/۱۶
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۵	درگیر شونده - اجتنابی	--	--	--	--	۱/۰۱	۱/۰۷	۱/۱۲	۱/۱۴
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۶	اجتنابی - خصمانه	--	--	--	--	--	۰/۰۶۴	۰/۱۰۲	۰/۱۲۷
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۷	خصمانه - اعتباربخش	--	--	--	--	--	--	۰/۰۳۸	۰/۰۶۳
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۸	خصمانه - درگیر شونده	--	--	--	--	--	--	--	۰/۰۲۴
		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

اعداد ردیف اول نشانگر اختلاف میانگین‌ها و اعداد ردیف دوم نشانگر سطح معناداری است.

با توجه به معنادار بودن تفاوت میانگین گروه‌ها به منظور کسب اطلاعات بیشتر درباره این تفاوتها از آزمون تعقیبی بونفرنی استفاده، و میانگین گروه‌ها یک به یک با همدیگر مقایسه شده است. نتایج مقایسه‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است.



## بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه سبک حل تعارض ادراک شده خود و همسر با کیفیت زناشویی بود. برای دستیابی به این هدف از شرکت کنندگان در پژوهش خواسته شد سبکهای حل تعارض ادراک شده خود و همسرشان را بر اساس سبکهای حل تعارض گاتمن مشخص کنند و همچنین به پرسشنامه کیفیت رابطه زناشویی پاسخ دهند. با توجه با پاسخها نه پروفایل شناسایی شد که عبارت است از اعتباربخش - اعتباربخش، درگیر شونده - اعتباربخش، اجتنابی - اجتنابی، درگیر شونده - درگیر شونده، درگیر شونده - اجتنابی، اجتنابی - خصمانه، خصمانه - اعتباربخش، خصمانه - درگیر شونده، و خصمانه - خصمانه.

یافته‌ها حاکی است که برخی پروفایلهای سبک حل تعارض در مقایسه با پروفایلهای دیگر با میزان زیادتری از کیفیت رابطه زناشویی همراه است. بیشترین میزان کیفیت رابطه زناشویی زمانی است که حداقل یکی از طرفین دارای سبک حل تعارض اعتباربخش باشد، البته به شرطی که طرف دیگر در حل تعارضات از سبک خصمانه استفاده نکند؛ یعنی زمانی که حداقل یکی از طرفین هنگام تعارض آرامش و کنترل کافی بر خودش داشته باشد برای باورها و عواطف طرف مقابل ارزش قائل شود و در یافتن راه حل تعارضات، دیدگاه‌های وی را لحاظ کند، میزان زیادی از کیفیت رابطه زناشویی به دست می‌آید. هرچند باید در نظر داشت که زمانی که هر دو طرف دارای سبک حل تعارض اعتباربخش باشند در مقایسه با زمانی که یکی از طرفین دارای سبک حل تعارض اجتنابی و درگیر شونده باشد، کیفیت زناشویی بهتری تجربه می‌شود. ریدلی، ویلم و سورا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در پژوهشی که مؤید نتایج این پژوهش است، دریافتند کیفیت زناشویی بین زوجهایی که یک یا هر دوی طرفین از تعارض و گفتگو درباره آن پرهیز می‌کردند، کم بود و بهترین کیفیت زناشویی به زوجهایی متعلق بود که هر دو طرف در فرایند گفتگو درباره تعارض درگیر می‌شدند.

همچنین زوجهایی که حداقل یکی از طرفین در موقعیت‌های تعارض آمیز از سبک درگیر شونده استفاده می‌کند، کیفیت زناشویی بهتری دارند. اینجا نیز کیفیت زناشویی مناسب، زمانی به دست می‌آید که طرف مقابل از سبک‌هایی غیر از سبک خصمانه استفاده کند. اما باید در نظر داشت که در مقایسه با پروفایلهای دارای سبک اعتباربخش، پروفایلهای دارای سبک

درگیرشونده، کیفیت زناشویی کمتری دارد. این یافته بدین معناست که همدلی و تلاش برای درک دیدگاه‌های همسر، همراه با ملاحظه‌کاری و حفظ آرامش بر بیان صریح و بی‌پروای موضوعات تعارض‌آمیز برتری دارد. کریستنسن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) ارتباط درگیری در الگوی تعقیب - طفره با رضایت از رابطه را در چهار کشور مختلف (برزیل، ایتالیا، تایوان و ایالات متحده) مورد مطالعه قرار دارند و دریافته‌اند که ارتباط مثبت این دو متغیر در همه فرهنگهای مورد مطالعه مصداق دارد.

کمترین میزان کیفیت رابطه زناشویی زمانی تجربه می‌شود که یک یا هر دو همسر در موقعیت‌های تعارض‌آمیز زناشویی از سبک خصمانه استفاده کنند. زمانی که چنین اتفاقی رخ می‌دهد و یکی از طرفین رفتارهای خصمانه نشان می‌دهد، فارغ از اینکه سبک حل تعارض طرف مقابل کدام باشد، کیفیت رابطه زناشویی در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد. این یافته بدین معناست که وقتی یکی از طرفین در تعامل با همسر، کنترل خود را از دست بدهد؛ احساسات منفی شدیدی را تجربه، و از طعنه، کنایه، تحقیر یا توهین استفاده کند، کمترین حد کیفیت زناشویی تجربه خواهد شد. اگر چه رابطه مثبت تعارضات خصمانه با کیفیت ضعیف رابطه زناشویی در پژوهشهای متعدد دیگری نیز نشان داده شده است (هولمن و جرویس، ۲۰۰۳؛ باسی و هولمن، ۲۰۰۹؛ گاتمن، ۱۹۹۴)، این نکته، که سبک خصمانه یکی از طرفین بدون توجه به سبک حل تعارض دیگری کیفیت رابطه زناشویی را به اندازه وضعیتی کاهش می‌دهد که هر دو طرف سبک خصمانه دارند، یافته تازه‌ای است که مستلزم توجه بیشتری است. شاید دلیل چنین یافته‌ای این است که وقتی یکی از طرفین در موقعیت‌های تعارض‌آمیز به رفتارهای خصمانه روی می‌آورد، طرف دیگر نیز، ناگزیر به واکنش متقابل وادار می‌شود و به سبک خصمانه پاسخ می‌دهد؛ هرچند ممکن است سبک غالب وی در حل تعارضات، خصمانه نباشد. گاتمن (۲۰۰۹) بحث می‌کند همسرانی که سبک خصمانه دارند، بسیار سرزنشگر هستند و نتیجه سرزنشگری، اتخاذ حالت دفاعی توسط همسر، تلاش برای دفع حمله ادراک شده، انکار مسئولیت مشکلات و سرزنش متقابل است. در نهایت، طرفین به این نتیجه می‌رسند که پیام آنها به گوش طرف مقابل نمی‌رسد و تداوم تعامل به بهبود اوضاع کمکی نخواهد کرد. در این موقعیت، بین زن و شوهر "دیوار سنگی"<sup>۲</sup> (گاتمن،

1 - Christensen  
2 - stonewalling

۱۹۹۹). ایجاد شده است، ویژگی اصلی این فرایند، غلبه منفی‌گرایی<sup>۱</sup> بر مثبت‌گرایی در رابطه زناشویی است. باسبی و تانیگوچی<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) با گسترش دادن الگوی گاتمن اشاره می‌کنند که رایجترین پیامدهای الگوی آبشار، خصمانگی<sup>۳</sup> و خشونت است که از اصلی‌ترین عوامل بی‌ثباتی زناشویی ازدواج به شمار می‌رود. پژوهشهای زیادی که تلاش کرده‌اند ارتباط سبکها با پیامدهای زناشویی را بسنجند، نتایج آنها متفقاً نشان داده است که اینها از پیش‌بین‌های مهم ناخشنودی و بی‌ثباتی زناشویی است (نظیر بارون و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ رابرتز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰).

یافته‌های این پژوهش تلویحاتی برای مشاوران در حوزه عمل در بردارد. مهمترین کاربرد این یافته‌ها به حوزه مشاوره قبل از ازدواج مربوط می‌شود. شناسایی پروفایل سبک حل تعارض زوجهای قبل از ازدواج و بازخورد دادن به آنها درباره پیامدهای آینده آن می‌تواند تکلیف مشاوره‌ای مهمی به شمار آید. اگر چه درباره برخی پروفایلها نظیر اجتنابی - درگیرشونده و تأثیر آنها بر کیفیت رابطه زناشویی اطلاعات زیادی نیست، درباره قوت‌های پروفایلهای حاوی سبک اعتباربخش و ضعفهای پروفایلهای حاوی سبک خصمانه می‌توان آگاهیهای لازم را به متقاضیان مشاوره قبل از ادواج ارائه کرد. به علاوه، شناسایی این پروفایلها می‌تواند راهنمای مفیدی برای متخصصان در تعیین اهداف مشاوره و جهت‌دهی مداخلات مورد نظر باشد. در حوزه درمان نیز این اطلاعات می‌تواند به ریشه‌یابی برخی از مشکلات زناشویی و طراحی مداخلات لازم کمک کند. به رغم این محاسن، هنوز اطلاعات پژوهشی کافی، که سلسله مراتب نسبتاً دقیقی از پروفایلهای سبک حل تعارض زناشویی بر حسب میزان کیفیت زناشویی همراه با آنها به دست دهد، وجود ندارد و پر شدن این شکاف مستلزم پژوهشهای دیگر با نمونه‌های بزرگتر است. به علاوه، در این پژوهش، سبک حل تعارض ادراک شده یکی از زوجین مورد مطالعه قرار گرفته و برای دستیابی به اطلاعات دقیقتر لازم است در پژوهشهای آینده بر توافق زن و شوهر بر سبک حل تعارض نیز توجه شود.

#### منابع

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین قم.

- 1 - negativity
- 2 - Busby, and Taniguchi
- 3 - hostility
- 4 - Baron
- 5 - Roberts

امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). *الغدیر فی الكتاب السنه و الادب*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
 لانگ، لین؛ یانگ، مارک (۲۰۰۷). *درمان مسائل زن و شوهری*. ترجمه علی محمد نظری، جواد خدادادی، مسعود اسدی، کبری ناموران و حسین صاحب‌دل. تهران: انتشارات آوای نور. ۱۳۹۲.

- Berns, S. B., Jacobson, N. S., & Gottman, J. M. (1999). Demand-withdraw interaction in couples with a violent husband. *Journal of consulting and clinical psychology*, 67(5), 666.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1989). Behavior and satisfaction in marriage: Prospective mediating processes.
- Buehler, C. (2014). Interparental conflict styles and youth problem behavior: A two-sample replication study. *Journal of Marriage and the Family*, 60, 119-132
- Busby, D. M., & Holman, T. B. (2009). Perceived match or mismatch on the Gottman conflict styles: Associations with relationship outcome variables. *Family process*, 48(4), 531-545.
- Busby, D. M., Holman, T. B., & Taniguchi, N. (2001). RELATE: Relationship Evaluation of the Individual, Family, Cultural, and Couple Contexts\*. *Family Relations*, 50(4), 308-316.
- Carstensen, L. L., Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (1995). Emotional behavior in long-term marriage. *Psychology and aging*, 10(1), 140.
- Caughlin, J. P. (2002). The demand/withdraw pattern of communication as a predictor of marital satisfaction over time. *Human Communication Research*, 28(1), 49-85.
- Christensen, A. (1998). Dysfunctional interaction patterns in couples.
- Christensen, A., Eldridge, K., Catta Preta, A. B., Lim, V. R., & Santagata, R. (2006). Cross Cultural Consistency of the Demand/Withdraw Interaction Pattern in Couples. *Journal of Marriage and Family*, 68(4), 1029-1044.
- Gottman, J. M. (1993). The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: a longitudinal view of five types of couples. *Journal of consulting and clinical psychology*, 61(1), 6.
- Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*: WW Norton & Company.
- Gottman, J. M. (2014). *What predicts divorce?: The relationship between marital processes and marital outcomes*: Psychology Press.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14 year period. *Journal of Marriage and Family*, 62(3), 737-745.
- Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M. (1995). The longitudinal impact of demand and withdrawal during marital conflict. *Journal of consulting and clinical psychology*, 63(5), 797.
- Holman, T. B., & Jarvis, M. O. (2003). Hostile, volatile, avoiding, and validating couple conflict types: An investigation of Gottman's couple conflict types. *Personal Relationships*, 10(2), 267-282.
- Ridley, C. A., Wilhelm, M. S., & Surra, C. A. (2001). Married couples' conflict responses and marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18(4), 517-534.